

بسمه تعالی



دانشگاه حقوق و علوم سیاسی



گزارش چکیده پایان نامه / رساله
فارسی و انگلیسی

<p>تاریخ دفاع: ۱۴۰۲/۴/۲۰</p>	<p>ارشد</p>	<p>مقطع تحصیلی:</p>	<p>روابط بین الملل</p>	<p>رشته تحصیلی:</p>	<p>شهاب الدین "نذیرزاده"</p>	<p>نام و نام خانوادگی دانشجو:</p>
<p>دکتر سعید میر حسین ترابی</p>	<p>نام استاد/ اساتید داور</p>	<p>دکتر محمد ولی مدرس</p>	<p>نام استاد مشاور</p>	<p>دکتر ارسلان قربانی شیخ نشین</p>	<p>نام استاد راهنما</p>	
<p>عنوان پایان نامه / ساله: تاثیر مناقشات قومی در عملکرد دولت و ارتش افغانستان از سال ۲۰۰۱-۲۰۲۱</p>						
<p>بیان مسئله</p> <p>افغانستان از منظر جغرافیایی مرکز چهار حوزه محیطی، فرهنگی و استراتژیک خاورمیانه، آسیای مرکزی، شبه قاره هند و خاور دور است. افغانستان، مانند بسیاری از کشورهای پسااستعماری در طول تاریخ، یک کشور چند قومی با بیش از یک گروه قومی با هویت های چند لایه و چند لایه باقی مانده است. یکی از مهم ترین مسائلی که جوامع چند قومیتی با آن مواجه هستند، مسئله قومیت است. افغانستان یکی از این جوامع چند قومیتی است که گرفتار جنگ داخلی شده است. خاستگاه گروه های قومی در افغانستان متفاوت است. این کشور با داشتن چندین قوم بومی فاقد فرهنگ قومی واحد ملی است. همین تنوع قومی در افغانستان، تلاش های این کشور را برای ساختن یک ملت ضعیف کرده است، زیرا اقوام در این کشور اکثریت ندارند. اقوام در افغانستان بیش از ۵۰۰۰ سال است که در این منطقه متحد شده اند و چندین بار علیه امپراتوران بزرگ بریتانیا، شوروی و آمریکا متحد شده اند. در واقع آزادی و هوش خود را در برابر این امپراتوری ها حفظ کردند. در هم زمان، بسیاری از قدرت های جهانی از تضاد قومی بین این کشور برای حفظ منافع خود استفاده کردند. روند جدید سیاسی افغانستان پس از تخریب برج های تجارت جهانی نیویورک و حملات نظامی آمریکا به افغانستان ایجاد شد. و همزمان با سرنگونی طالبان، با میانجیگری نهادهای بین المللی و کشورهای درگیر در بحران افغانستان، نشستی از سوی احزاب سیاسی افغانستان در شهر بن آلمان برگزار شد. این اجلاس در نهایت به توافق بن منتهی شد که مانند اصل برگزاری اجلاس، مورد حمایت و تایید سازمان های بین المللی، کشورهای قدرتمند جهان و کشورهای همسایه قرار گرفت. در این معاهده، تمامی بازیگران موثر سیاسی افغانستان متعهد شدند که روند جدید نظام سیاسی این کشور را تحت نظارت سازمان ملل متحد پیش ببرند و مشارکت همه اقوام و گروه های سیاسی را تضمین کنند و هر یک از آنها همکاری های لازم را در این زمینه انجام دهد. این موافقتنامه تمام مراحل تشکیل نهادها و مراحل استقرار نظام سیاسی جدید افغانستان بر اساس اصول دموکراسی، انتخابات آزاد و عمومی و مشارکت نسبی</p>						<p>بیان مسئله:</p>

همه اقوام و گروه های سیاسی در افغانستان را در بر می گیرد.

بنابراین، این قرارداد سرآغاز شکل جدیدی از حکومت ملی و مردمی در افغانستان است. افغانستان کشوری است با تنوع قومی که جزو شناسه جغرافیایی آن است. اگرچه این تنوع در بسیاری از کشورهای جهان وجود داشته و دارد، هیچ یک از کشورهای دنیا، همانند افغانستان دچار بحران و بی ثباتی نیست. نقطه تمایز دیگر این کشور، سلطه و استیلای ممتد قومی است که سرگذشت و ماهیت متفاوتی را نسبت به سایر کشورها شکل داده است؛ آن هم شاید بدان دلیل که بافت کلی یا خاص جامعه افغانستان عامل این تمایزها به شمار می آید و سبب شده است روابط اقوام و نزاع های قومی نیز در این کشور، روندی متفاوت از سایر کشورها پیدا کند. همین امر زمینه شکل گیری هویت های قومی را میسر ساخته است. به گفته شهرانی قوم خویشاوندی و اسلام اساس هویت فردی و جمعی در افغانستان را تشکیل می دهند و اکثر سازمان ها و ساختارهای اجتماعی بر همین منطبق شکل می گیرند و همین مفاهیم در بسیج حرکت های اجتماعی و تنظیم کنش متقابل افراد و گروه های اجتماعی نقش تعیین کننده ای دارند». افغانستان از جمله کشورهایی است که دارای ساختار ناهمگون و چندقومی است که یک نظام تکثرگرا را می طلبد، اما در طول تاریخ قدرت سیاسی در این کشور اغلب تحت سیطره گروه قومی خاص قرار داشته است.

در تاریخ سیاسی افغانستان به دلیل تعصب و قومیت گرایی کمتر مقطعی تاریخی را می توان یافت که در آن تمام گروه ها و نیروهای اجتماعی موجود در این کشور از حق تعیین سرنوشت خود برخوردار بوده و در نظام سیاسی آن مشارکت داشته باشند. از طرف دیگر با توجه به تحولاتی که در جامعه افغانستان به ویژه در سطح آگاهی مردم نسبت به حقوق سیاسی و اجتماعی شان به وجود آمده است، دیگر نظام های سیاسی مطلق گرا نمی تواند کارایی لازم را در جهت استقرار نظم و انسجام اجتماعی در جامعه افغانستان ایفا نماید.

در حال حاضر پل ارتباطی میان اقوام را نمادها و ارزش های قبیله ای، قوم و خویشاوندان شکل می دهد که این عمل ساختار سیاسی - ملی را سخت بیمار کرده است. هنوز فرهنگ قبیله ای سایه خود را بر مردم این سرزمین حفظ کرده است و حتی در عادی ترین شرایط در مسائل سرنوشت ساز جریان پیدا می کند که در نتیجه آن بحران و بی ثباتی مناسبات را در بین اقوام ایجاد کرده است. بی ثباتی سیاسی جامعه وقتی است که رفتار سیاسی سرمداران حکومت در زمینه حضور و مشارکت سیاسی دیگر اقوام تبعیض آمیز، تنش زا و ناسالم شود، چنانچه رفتار نیک و مسالمت آمیز شان که البته به ندرت واقع شده، سبب وحدت و دوستی میان اقوام شده است.

بر اساس واقعیت های تاریخی، نظام سیاسی افغانستان در گذشته همواره بر سنت های قومی و قبیله ای استوار بوده و کشوری است با تاریخ پر از رمز و راز و در هیچ برهه از زمان سیاسی خود، ثبات مورد نظر را نداشته است و همیشه درگیر کشمکش های داخلی بوده یا در دام مداخلات قدرت های خارجی اسیر بوده و افغانستان را به میدان رقابت قدرت بیرونی و جنگ های نیابتی ایشان مبدل ساخته است که نتیجه آن جغرافیای بی ثبات، متفرق، از هم گسیخته و بدون یکپارچگی ملی و وحدت سرزمینی در این کشور است. این مسئله خود همزیستی و مشارکت اقوام ساکن در افغانستان را در چارچوب دولتی کارآمد، کاملاً ناکام می ساخت. این عمل، صف بندی های گروهی و منازعه های قومی را در کشور به میان آورده و عاملی برای تضادها و نزاع ها در مقاطع متفاوت تاریخی با تأثیر پذیری از عوامل داخلی و بیرونی همواره در حال نوسان و تغییر بوده و این نوسان ها با حساسیت موضوع و موقعیت و امکانات در دسترس، نمود پیدا کرده و به شکل گیری جنگ های داخلی، ناامنی، بحران، مهاجرت، تنگدستی، بی ثباتی سیاسی منجر شده است. از این رو، در این تحقیق در پی آنیم تا جایگاه تاثیرمناقصات قومی را در عملکرد دولت و ارتش افغانستان بعد از سال ۲۰۰۱

<p>میلادی بررسی کنیم. از نظر برخی شکل گیری نظام سیاسی بعد از یازده سبتمبر در افغانستان، نقطه پایان قطعی جنگهای قومی به حساب می آید، ولی در شرایط فعلی و با تأسیس نظام سیاسی وقت، تنها شاهد فروکش کردن برخوردهای شدید قومی بودیم آن هم در ابعاد صرف زاهری و رسانه ای، در حالی که تنش های مختلف قومی این کشور، در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نظامی خودش پنهان و آشکار همچنان هم ادامه داشت بناء سوالی که مطرح میشود، مناقشات قومی و تاثیر آن در عملکرد دولت و ارتش افغانستان، چگونه بوده است.</p>	
<p>مطالعه ی پیش رو، پژوهشی توصیفی – تحلیلی میباشد. جامعه و نمونه و شیوه نمونه گیری: ندارد ابزار و روش گردآوری داده ها: ندارد روش تجزیه و تحلیل داده ها: روش تحقیق کتاب خانه ای می باشد.</p>	<p>روش پژوهش:</p>
<p>سوال پژوهش مناقشات قومی چگونه بر عملکرد دولت و ارتش افغانستان در سال (۲۰۲۱-۲۰۰۱) تاثیر گذاشته است؟ فرضیه پژوهش مناقشات قومی از طریق ایجاد بحران های داخلی بر عملکرد دولت و ارتش افغانستان تاثیر گذاشته و منجر به اختلال در عملکرد دولت شده است.</p>	<p>سئوال و فرضیه تحقیق:</p>
<p>این پژوهش دارای کلیات و در سه فصل تهیه شده است، در فصل اول گروه های قومی افغانستان مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته ،در فصل دوم به بررسی ساخت سیاسی افغانستان در پساتالبان پرداخته، در فصل سوم مناقشات قومی و تاثیر آن در عملکرد دولت و ارتش افغانستان(۲۰۲۱-۲۰۰۱) شده و در نهایت این پژوهش با نتیجه گیری و فهرست منابع و مآخذ به پایان می رسد.</p>	<p>روند پژوهش:</p>

بررسی مناقشات قومی و تاثیر آن در عملکرد دولت و ارتش افغانستان در سال (۲۰۰۱-۲۰۲۱)	مهمترین یافته ها :

تأیید استاد راهنما

